

relationship between family power structure with mental health in females teachers of elementary and secondary schools in shiraz

Parvin Kadivar¹, Bagher Sanai², Shefiei Farahnaz sarvistanie³

Abstract

Aim: This is an applied and basic research. It studies the relationship between "family power structure" and "mental health" in female elementary and high school teachers in Shiraz.

Method The sample consists of 200 women (100 elementary teachers and 100 high school teachers) whom were randomly allocated to the groups. Two questionnaires were used in this study they were 1)- GHQ-28 scale with 28 items and, 2)- family power structure scale with 63 items. this research supposed that there is relationship between family power structure and female teachers mental health, Also it was supposed that there is difference between family power structure and 1) wife's education, 2) husband's education, 3) family population ,4) duration of conjugal life ,5) couple's age difference ,6) life's cycle stage ,7) housing's possession ,8) wife's income ,9) husband's in come. Descriptive statistic, person correlation, coefficient ANOVA, scheffe follow's up test were used to process the data.

Results: The results showed that there is difference between family power's structure and women's mental health. Also other approved hypoteses in clued the relationship between, a) couple's differences, b) family dimention, c) husband's in come and d) wife's education. The other hypoteses in cause of non signifiantly differences are not approval.

Key words : Powere structure – family- mental health.

¹- Assistan Teacher Training university

²- faculty members of Thran university

³- M.D Cuncilling Authored Khatam University

رابطه بین ساختار قدرت در خانواده با سلامت روانی زنان معلم دوره ابتدائی و متوسطه شیراز

باقر ثنائی ذاکر^۱ - پروین کدیور^۲ - فرحناز شفیعی سروستانی^۳

چکیده

هدف: این پژوهش، یک پژوهش بنیادی و کاربردی است که هدف آن شناخت رابطه بین ساختار قدرت در خانواده با سلامت روانی زنان معلم دوره ابتدائی و متوسطه شهر شیراز است.

روش: نمونه پژوهش شامل ۲۰۰ نفر زن معلم (۱۰۰ نفر دوره ابتدائی، ۱۰۰ نفر دوره متوسطه) است که به روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش عبارتند از: ۱- پرسشنامه سلامت روانی (GHQ-28) که شامل ۲۸ سؤال است. ۲- پرسشنامه ساختار قدرت در خانواده که شامل ۶۳ سؤال است. در پژوهش علاوه بر فرض رابطه بین ساختار قدرت در خانواده و با سلامت روانی زنان معلم، همچنین فرضی شده است که بین ساختار قدرت در خانواده با: ۱- تحصیلات زنان ۲- تحصیلات مردان ۳- بعد خانوار ۴- طول مدت ازدواج ۵- فاصله سنی زوجین ۶- مرحله چرخه زندگی ۷- تملک دارائی (منزل) ۸- درآمد زنان ۹- درآمد مردان تفاوت وجود دارد. اطلاعات و داده های بدست آمده به وسیله روشهای آمار توصیفی، ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل واریانس یکطرفه و آزمون تعقیبی شفه موود تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج نتایج نشان داد بین ساختار قدرت در خانواده با سلامت روانی زنان رابطه وجود دارد. همچنین فرضیه های مربوط به تفاوت بین ساختار قدرت در خانواده با فاصله سنی زوجین، بعد خانوار، درآمد شوهر، تحصیلات زن مورد تأیید قرار گرفت. بقیه فرضیه های پژوهش به دلیل عدم معناداری تفاوت مورد تأیید قرار نگرفت.

واژگان کلیدی: ساختار قدرت - خانواده - سلامت روانی

^۱ - عضو هیات علمی دانشگاه تربیت معلم تهران

^۲ - معاونت پژوهشی دانشگاه تربیت معلم تهران

^۳ - کارشناس ارشد مشاوره دانشگاه خاتم (نویسنده اصلی)

مقدمه

مطالعات در باره تصمیم گیری در زندگی زنا شوئی نشان می دهد که مردان معمولاً در مورد منابع اقتصادی خانواده از قدرت برخوردارند؛ مردان اکثراً تصمیم می گیرند که اداره کلی امور مالی خانواده چگونه سازمان داده شود. (۶).

البته این نکته را باید در نظر داشت که براساس تقسیم نقش ها، می توان حوزه های متفاوتی از اخذ تصمیمات توسط زن و شوهر در خانواده مشاهده کرد. در طول تاریخ به ندرت دیده شده که قدرت در خانواده به طور مساوی بین زن و شوهر تقسیم شده باشد. در بیشتر جوامع و در بخش بزرگی از تاریخ دیرپای بشر این مرد بوده که قدرت بیشتری را در خانواده در اختیار داشته است؛ هر چند گاهی زنان نیز از قدرت قابل توجهی برخوردار شده اند. اینکه قدرت بیشتر در اختیار مرد یا زن باشد تأثیر زیادی بر ساختار خانواده و ابعاد دیگر آن برجای می گذارد. (۷).

با توجه به تحولات و دگرگونیهای اجتماعی و اقتصادی با خروج زن از خانه، در تقسیم کار سنتی اختلالاتی پدید آمده و نقش تازه ای به نقشهای قبلی او اضافه شده است و به کار کردن در خارج از خانه پرداخته که این نقش تازه زن توانسته جنبه های مختلف زندگی خانوادگی او را متأثر سازد. شغل زن از عوامل موثر در روابط خانوادگی او می باشد و منشاء کسب درآمد می شود و پایگاه اقتصادی - اجتماعی او را متأثر می سازد و هرم قدرت را به نفع او تغییر می دهد و شوهر را در امور خانه داری شریک خود می سازد و زن می تواند نظر خود را در امور خانواده مطرح کند و تصمیم گیری نماید. در واقع در دنیای پیچیده امروزی قدرت در خانواده ابعاد و معنای جدید و پیچیده ای پیدا کرده و روابط زن و مرد و نقشهای میان آنها را دستخوش تغییرات بسیاری شده است. (۸).

فرانکس (۹)، بیان می کند که قدرت زن و شوهر بر می گردد به این که در زمینه هزینه کردن پول، تهیه امکانات برای خانواده، و تربیت فرزندان کدام یک از زوجین حرف آخر می زند.

انسان موجودی اجتماعی است که برای تامین نیازهای خود، تشکیل گروه می دهد. یکی از طبیعی ترین گروهی که می تواند نیازهای وی را مرتفع کند خانواده است.

خانواده از گروهی از افراد و مجموعه هائی از قوانین و مقررات تعیین کننده روابط بین افراد و کارکردهای آنان تشکیل شده است (۱).

خانواده اصلی ترین هسته هر جامعه و کانون حفظ سلامت و بهداشت روانی اعضایش است.

اهمیت خانواده سالم در این است که همزمان برای زن و مرد، موجبات تبادل اطلاعات و بحث و فعالیت آزاد را فراهم می کند. در حقیقت خانواده سالم، خانواده ای است که تنوع فکر و اندیشه در آن موج می زند و همه افراد خانواده با توجه به کارایی و توانمندی های خود در مورد مسائل زندگی مشترک تصمیم می گیرند. (۲)

بی شک موفقیت هر خانواده تا حد زیادی به توانائی زن و شوهر در ایجاد یک رابطه موفق بستگی دارد. زیر منظومه زن و شوهری اساس و مرکز خانواده در سالهای آغازین تشکیل زندگی است. هریک از زوجین دارای سلسله مراتبی از ارزشها و انتظارات مشخص و نامشخص است؛ این دو مجموعه ارزشها و انتظارات در طی زمان، بازیابی و ارزیابی می شوند تا امکان ادامه زندگی مشترک فراهم شود. (۳).

مسئله اساسی در این پژوهش ساختار قدرت در خانواده و رابطه آن با سلامت روانی است. ساختار خانواده، الگوهای مرادده ای افراد خانواده را دربر می گیرد. (۴).

ساختار قدرت در خانواده درباره الگوهای روابط حاکم بر خانواده و تصمیم گیری زوجین در مسائل مختلف اجتماعی، اقتصادی، عاطفی و ... بحث می کند. اشکال مختلف برنامه ریزی در خانواده به لحاظ مالی، هزینه ها، نیازهای اعضا و ... می تواند خانواده را به مطلوبیت بهره وری و سلامت بیشتری سوق دهد و این جز با مشارکت و همکاری زن و شوهر میسر نمی شود. (۵).

روش پژوهش

با توجه به ماهیت این پژوهش که به دنبال بررسی رابطه بین ساختار قدرت در خانواده و سلامت روانی زنان معلم است. نوع مطالعه بنیادی و کاربردی است. و روش آن توصیفی و از نوع همبستگی- مقایسه ای انتخاب شده است.

جامعه آماری

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه معلمان زن دوره متوسطه و دوره ابتدایی نواحی چهارگانه آموزش و پرورش شهر شیراز در سال تحصیلی ۸۴-۸۳ است که دارای شرایط زیر هستند:

- حداقل ۲ سال از ازدواج آن ها گذشته است.

- دارای فرزند هستند.

- همسر آنها در قید حیات است.

- حداقل دارای ۲۵ سال سن هستند.

نمونه و روش نمونه گیری

در این پژوهش حدود ۲۰۰ نفر معلم زن (۱۰۰ نفر دوره ابتدایی، ۱۰۰ نفر دوره متوسطه) که از طریق روش نمونه گیری تصادفی چند مرحله ای از نواحی چهارگانه آموزش و پرورش شهر شیراز انتخاب گردیدند شرکت کرده اند.

ابزارهای پژوهش

۱- پرسشنامه سلامت عمومی (GHQ-۲۸): پرسشنامه سلامت روانی یک ابزار ۲۸ سؤالی با مقیاس لیکرت است. در این پرسشنامه از آزمودنی خواسته می شود که وضعیت سلامت خود را در یک ماه گذشته گزارش دهد. این پرسشنامه توسط گلدبرگ و هیلر طراحی شده است و دارای چهار خرده مقیاس به ترتیب زیر است:

۱- علائم جسمانی

۲- اضطراب و اختلال خواب

۳- اختلال در عملکرد اجتماعی

۴- افسردگی شدید

گلدبرگ و همکاران روایی پرسشنامه را با توجه به همبستگی بین داده های حاصل از اجرای دو پرسشنامه SCL-90-R، GHQ-28 بر روی نمونه ۲۴۴ آزمودنی به میزان ۷۸٪ گزارش نموده اند. (هومن، ۱۳۷۶، شماره ۲۲).

تاورمینا (۱۰)، براساس اینکه چه کسی تصمیمات اساسی و مهم را در خانواده می گیرد به سه الگو اشاره می کند:

۱- الگوی حاکمیت مرد.

۲- الگوی حاکمیت زن.

۳- الگوی مشارکتی بودن اخذ تصمیم.

پژوهشهای بسیاری پیرامون الگوهای تصمیم گیری بین زوجین و پیامدهای آن انجام گرفته است. این پژوهشها تاثیر ساختار قدرت در خانواده را بر انسجام خانواده، کیفیت زندگی زناشویی و آسیب شناسی خانواده مورد تاکید قرار داده اند. (۱۹ و ۲۰)

بنابراین زمانی که زن و شوهر کلیه فعالیتهای خانواده را مشترکاً انجام دهند، ارتباط کلامی آنها از محدوده دخل و خرج فراتر رفته متوجه علائق، نیازها و درخواست های یکدیگر می شوند و با بحث و مشورت بسیاری از مشکلات خانواده را حل کرده و چاره ای برای آنها پیدا می کنند؛ بدین ترتیب تصمیم گیری مشترک، سبب نگرش مثبت نسبت به ازدواج و خانواده می شود و روابط رقابتی زن و شوهر را به روابط تفاهم آمیز خانوادگی تبدیل می کند. (۲۱).

از آنجا که افراد سالم، خانواده های سالم بوجود می آورند، بنابراین زن و شوهر برای کاهش تنش و سلامت خود باید یکدیگر را سیراب، تصدیق و حمایت نمایند. رابطه زناشویی نیز باید براساس همکاری، اطمینان و احترام متقابل باشد. از آنجا که خانواده جامعه را تغذیه کرده، در سلامت و عدم سلامت و نابهنجاری آن مؤثر است، لذا ضرورت بررسی عوامل مؤثر بر سلامت روانی زوجین لازم به نظر می رسد، تا بتوان به کمک آن با ارائه راهکارهای جدید در راستای پیشگیری از بروز مشکلات زناشویی (پیشگیری اولیه)، تقویت، غنی سازی، ایجاد رضایتمندی زناشویی و سلامت روانی (پیشگیری ثانویه) گام برداشت و زمینه تداوم و انسجام بیش از پیش خانواده را مهیا ساخت.

جدول ۴- رابطه بین فاصله سنی زوجین با عامل

ساختار قدرت در خانواده

فاصله سنی زوجین	تعداد	میانگین	درجه آزادی	F	سطح معناداری	نتیجه
ساختار همسن و	۴۲	۱۸۴/۲۲	۲	۵/۱۵۹	۰/۰۰۲	رد
قدرت کمتر	۸۷	۱۸۷/۷۸				H_0
خانواده ۱-۵ سال	۵۸	۱۸۴/۱۷				
خانواده ۶-۱۰ سال	۱۱	۱۵۷/۹۰				
۱۰ سال و بالاتر						
جمع	۱۹۸	۱۸۴/۳۵	۱۹۷			

با توجه به نتایج مندرج در جدول شماره ۴، چون مقدار F محاسبه شده ($F=5/159, P<0/002$) در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۰۲ معنادار است، بنابراین می توان گفت که بین میانگین فاصله سنی زوجین با عامل ساختار قدرت در خانواده تفاوت معناداری وجود دارد. آزمون آماری شفه بیشترین تفاوت ساختار قدرت در خانواده را بین سنین ۱۰ سال و بالاتر نشان میدهد. یعنی هرچه فاصله سنی زوجین بیشتر باشد کمتر تشریک مساعی بین آنها وجود دارد.

جدول ۵- رابطه بین تملک دارائی (منزل) با عامل

ساختار قدرت در خانواده

تملك دارائی (منزل)	تعداد	میانگین	درجه آزادی	F	سطح معناداری	نتیجه
ساختار زن	۴۷	۱۸۳/۱۲۸	۵	۱/۳۵۵	۰/۳۵۳	تأیید
قدرت شوهر	۷۵	۱۸۱/۳۶				H_0
خانواده زن و شوهر	۲۷	۱۹۳/۸۱				
خانواده زن	۴	۱۹۲/۶۶				
خانواده مرد	۸	۱۷۶/۷۵				
سایر موارد	۲۹	۱۸۶/۱۰				
جمع	۲۰۰	۱۸۴/۴۱	۱۹۹			

با توجه به نتایج مندرج در جدول شماره ۵، چون مقدار F محاسبه شده ($F=1/355, P<0/05$) در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ معنادار نیست، بنابراین می توان گفت که بین تملک دارائی (منزل) با عامل ساختار قدرت در خانواده تفاوت معناداری وجود ندارد.

جدول ۶- رابطه بین بعد خانوار با عامل ساختار

قدرت در خانواده

بعد خانوار	تعداد	میانگین	درجه آزادی	F	سطح معناداری	نتیجه
ساختار ۲ نفره	۲۶	۱۸۸/۸۲	۲	۴/۷۸۲	۰/۰۰۱	رد
قدرت ۴ نفره	۸۹	۱۸۲/۷۵				H_0
خانواده ۵ نفره	۲۲	۱۸۲/۹۰				
۶ نفره	۱۸	۱۸۱/۳۷				
۷ نفره و بالاتر	۴	۱۳۵/۷۵				
جمع	۲۰۰	۱۸۴/۴۱	۱۹۹			

با توجه به نتایج مندرج در جدول شماره ۶، چون مقدار F محاسبه شده ($F=4/782, P<0/001$) در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۰۱ معنادار است، بنابراین می توان گفت که بین میانگین بعد خانوار با عامل ساختار قدرت در خانواده تفاوت معناداری وجود دارد. آزمون آماری شفه بیشترین تفاوت ساختار قدرت در خانواده را بین خانواده های ۷ نفره و بالاتر نشان می دهد. به عبارتی هرچه خانواده گسترده تر و دارای فرزند بیشتری باشد تشریک مساعی در خانواده کمتر است.

جدول ۷- رابطه بین طول مدت ازدواج با عامل

ساختار قدرت در خانواده

طول مدت ازدواج	تعداد	میانگین	درجه آزادی	F	سطح معناداری	نتیجه
ساختار ۵-۲۰ سال	۱۵	۱۹۰/۹۱	۵	۱/۱۴۴	۰/۳۳۸	تأیید
۲۱-۳۰ سال	۳۳	۱۸۷/۳۸				H_0
۳۱-۴۰ سال	۲۱	۱۸۶/۳۹				
۴۱-۵۰ سال	۲۷	۱۸۷/۰۷				
۵۱-۶۰ سال	۵۵	۱۸۱/۳۰				
۶۱-۷۰ سال	۲۳	۱۷۵/۹۵				
جمع	۱۹۸	۱۸۴/۳۷	۱۹۷			

با توجه به نتایج مندرج در جدول شماره ۷، چون مقدار F محاسبه شده ($F=1/144, P<0/05$)، در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ معنادار نیست بنابراین می توان گفت که بین طول مدت ازدواج با عامل ساختار قدرت در خانواده تفاوت معناداری وجود ندارد.

رابطه بین ساختار قدرت در خانواده با سلامت روانی زنان معلم دوره ابتدائی و متوسطه شیراز

باقر ثنائی ذاکر - پروین کدیور - فرحناز شفیعی سروسستانی

گیری زن و شوهر به سمت تشریک مساعی در خانواده، سلامت روانی آنها تضمین می شود.

جدول ۲- رابطه بین تحصیلات زن با عامل ساختار

قدرت در خانواده

سطح تحصیلات	تعداد	میانگین	درجه آزادی	F	سطح معناداری	نتیجه
دیپلم	۳۸	۱۷۵/۸۹	۳	۴/۹۴	۰/۰۰۳	رد H_0
فوق	۵۵	۱۷۹/۰۷				
دیپلم خانواده	۹۶	۱۸۹/۵۷				
لیسانس	۱۱	۱۹۵/۹۰				
فوق لیسانس و بالاتر						
جمع	۲۰۰	۱۸۴/۴۱	۱۹۶			

با توجه به نتایج مندرج در جدول ۲، چون مقدار F محاسبه شده ($P < 0/003$, $F = 4/94$) در سطح معناداری کمتر از $0/003$ معنادار است، بنابراین می توان گفت که بین میانگین سطح تحصیلات زنان معلم با عامل ساختار قدرت در خانواده تفاوت معناداری وجود دارد. آزمون آماری شفه بیشترین تفاوت ساختار قدرت در خانواده در بین سطح تحصیلات دیپلم و لیسانس نشان داده است.

جدول ۳- رابطه بین تحصیلات شوهر با عامل ساختار

قدرت در خانواده

سطح تحصیلات	تعداد	میانگین	درجه آزادی	F	سطح معناداری	نتیجه
دیپلم	۱	۱۴۳/۰۰	۴	۱/۱۷	۰/۳۳۶	تأیید H_0
فوق	۶۷	۱۸۱/۶۱۱				
دیپلم خانواده	۴۰	۱۸۴/۸۵				
لیسانس	۷۲	۱۸۶/۳۸				
فوق لیسانس و بالاتر	۲۰	۱۸۸/۰۰				
جمع	۲۰۰	۱۸۴/۴۱	۱۹۵			

با توجه به نتایج مندرج در جدول ۳، چون مقدار F محاسبه شده ($P < 0/05$, $F = 1/17$) در سطح معناداری کمتر از $0/05$ معنادار نیست، بنابراین می توان گفت که بین میانگین سطح تحصیلات شوهران با عامل ساختار قدرت در خانواده تفاوت معناداری وجود ندارد.

پایایی پرسشنامه توسط ویلیامز گلدبرگ و ماری (۱۹۹۸) حدود ۸۰٪ گزارش شده است. همچنین در این پژوهش پایایی پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ ۸۹٪ بدست آمد (۲۳).

۲- پرسشنامه ساختار قدرت در خانواده: این پرسشنامه یک ابزار ۶۳ سؤالی است که برای بررسی شیوه های تصمیم گیری و حوزه های ساخت و اعمال قدرت در خانواده به کار می رود. این پرسشنامه توسط سعیدیان (۱۳۸۲)، در دانشگاه تربیت معلم ساخته شده است و دارای سه خرده مقیاس به ترتیب زیر است:

۱- مقیاس حوزه و قلمرو قدرت زن و شوهر در خانواده.

۲- مقیاس ساخت و روابط قدرت در خانواده.

۳- مقیاس شیوه اعمال قدرت زن و شوهر در خانواده.

روایی پرسشنامه، روایی محتوایی و صوری است، که با توجه به نظر متخصصان و صاحب نظران علوم اجتماعی و مشاوره با حذف تعدادی از سؤالات مورد تأیید قرار گرفته است. پایایی آن از طریق آلفای کرونباخ ۸۳٪ گزارش شده است (۲۴). و در این پژوهش ضریب پایایی آن ۹۱٪ بدست آمده است.

روش آماری

جهت تجزیه و تحلیل داده ها از روشهای آماری ضریب

همبستگی پیرسون، تحلیل واریانس یکطرفه (ANOVA) و

آزمون تعقیبی شده استفاده شد

نتایج

جدول ۱- همبستگی بین ساختار قدرت در خانواده و

سلامت روانی (GHQ-28) زنان معلم

شاخصها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب همبستگی	سطح معناداری	نتیجه
سلامت روانی	۲۰۰	۲۱/۵۲	۱۰/۲۴	-۰/۳۱	۰/۰۰۱	رد H_0
ساختار قدرت در خانواده	۲۰۰	۱۸۴/۴۱	۲۴/۲۲			

با توجه به نتایج مندرج در جدول بالا، بین ساختار قدرت در خانواده با سلامت زنان معلم در سطح معناداری $0/01$ رابطه منفی و معنادار وجود دارد ($P < 0/01$, $r = -0/31$) لذا با ۹۹ درصد اطمینان می توان گفت که با افزایش قدرت تصمیم

رابطه بین ساختار قدرت در خانواده با سلامت روانی زنان معلم دوره ابتدایی و متوسطه شیراز

باقر ثنایی ذاکر - پروین کدیور - فرحناز شفیعی سروسستانی

جدول ۹ - رابطه بین درآمد شوهر با ساختار قدرت

در خانواده						
نتیجه	سطح معناداری	F	درجه آزادی	میانگین	تعداد	درآمد شوهر
ساختار قدرت خانواده	تائید H_0		۳	۱۶۲/۱۲	۸	۱۰۰ هزار
				۱۸۳/۳۴	۶۴	تومان و کمتر
				۱۸۶/۹۶	۸۰	۱۰۱-۲۰۰
				۱۷۸/۳۷	۲۴	هزار تومان
				۱۹۲/۱۶	۲۴	۲۰۱-۳۰۰
			۱۹۵			هزار تومان
						۳۰۱-۴۰۰
						هزار تومان
						۴۰۱
						هزار تومان و بالاتر
جمع				۱۹۹	۱۸۴/۴۱	۲۰۰

با توجه به نتایج مندرج در جدول شماره ۹، چون مقدار F محاسبه شده ($P < 0/02$, $F = 3/016$) در سطح معناداری کمتر از $0/02$ معنادار است، بنابراین می توان گفت که بین درآمد شوهر با عامل ساختار قدرت در خانواده تفاوت معنادار وجود دارد. آزمون آماری شفه گروه خاصی را در ایجاد تفاوت به دست آمده نشان نمی دهد اما با توجه به میانگین ها هر چه درآمد شوهر کمتر باشد، ساختار قدرت کمتر به سمت تشریک مساعی است

جدول ۸ - رابطه بین مراحل چرخه زندگی با عامل ساختار قدرت در خانواده

ساختار قدرت در خانواده							
نتیجه	سطح معناداری	F	درجه آزادی	میانگین	تعداد	مراحل چرخه زندگی	
ساختار قدرت خانواده	تائید H_0		۵	۱۹۵/۹۰	۱۱	فرزند ارشد	
				۱۸۷/۵۰	۱۶	زیر ۳۰ سال	
				۱۸۶/۶۳	۶۳	فرزند ارشد ۴-۶ سال	
				۱۸۴/۷۸	۴۶	۲۵ سال	
				۱۷۹/۹۶	۵۹	فرزند ارشد ۷-۱۳ سال	
				۱۷۲/۶۰	۵	۱۳-۲۰ سال	
							فرزند ارشد ۲۰-۲۴ سال
							فرزند ارشد ۲۵-۲۷ سال
							فرزند ارشد ۲۷ سال و بالاتر
				جمع			۱۹۹

با توجه به نتایج مندرج در جدول شماره ۸، چون مقدار F محاسبه شده، ($P < 0/05$, $F = 1/238$) در سطح معناداری کمتر از $0/05$ معنادار نیست؛ بنابراین می توان گفت که بین مراحل چرخه زندگی با عامل ساختار قدرت در خانواده تفاوت معناداری وجود ندارد.

جدول شماره ۱۰ - رابطه بین درآمد زن با ساختار قدرت در خانواده

نتیجه	سطح معناداری	F	درجه آزادی	میانگین	تعداد	درآمد زن
ساختار قدرت خانواده	تائید H_0		۲	۱۷۵/۶۱	۱۳	۱۰۰ هزار تومان و کمتر
				۱۸۴/۷۵	۱۳۹	۱۰۱-۲۰۰ هزار تومان
				۱۸۵/۴۰۰	۲۰	۲۰۱-۳۰۰ هزار تومان
				۱۸۸/۰۰	۴	۳۰۱-۴۰۰ هزار تومان
				۱۸۷/۷۵	۴	۴۰۱ هزار تومان و بالاتر
جمع			۱۹۹	۱۸۴/۴۱	۲۰۰	

با توجه به نتایج مندرج در جدول شماره ۱۰، چون مقدار F محاسبه شده، ($P < 0/05$, $F = 0/480$) در سطح معناداری کمتر از $0/05$ معنادار نیست بنابراین می توان گفت که بین درآمد زن با عامل ساختار قدرت در خانواده تفاوت معناداری وجود ندارد.

بحث و نتیجه گیری

هدف از این پژوهش شناخت رابطه بین ساختار قدرت در خانواده با سلامت روانی زنان معلم دوره ابتدایی و متوسطه شهر شیراز بوده است.

یافته های جدول ۱ نشان می دهد که بین ساختار قدرت در خانواده با سلامت روانی زنان معلم در سطح کمتر از ۰/۰۱ همبستگی معناداری وجود دارد. بنابراین با ۹۹ درصد اطمینان می توان گفت، هرچه قدرت تصمیم گیری زوجین در خانواده به سمت تشریک مساعی پیش می رود، زنان از سلامت روانی بهتری برخوردار می شوند. یافته های بالا با نتایج مطالعات باگارتزی (۱۹۹۰)، برچنل و کنارد (۱۹۸۳)، میروسکی (۱۹۸۵)، کافمن (۱۹۹۸)، وایزمن (۱۹۸۷)، کسلر (۱۹۸۲)، اولسون و همکاران (۱۹۸۹)، به نقل از میرخشتی (۱۳۷۵)، که نشان دادند نابرابری در قدرت زناشویی باعث بروز علائم آسیب شناختی در همسری می شود که قدرت کمتر دارد همسو است. بنابراین می توان بیان کرد که الگوهای ارتباطی کلامی و غیر

کلامی، تعاملهای مثبت، رابطه نزدیک و دلگرم کننده و متعاقب آن تشریک مساعی در تصمیم گیری خانواده محافظ افراد در برابر استرس و آسیب های روانی است و سلامت روانی اعضای خانواده را تضمین می کند.

یافته های جدول ۲ نشان می دهد که F محاسبه شده از F جدول در سطح ۰/۰۰۳ بزرگتر است. بنابراین مقدار F محاسبه شده در سطح کمتر از ۰/۰۰۳ معنادار است لذا با ۹۹ درصد اطمینان می توان بیان کرد که بین ساختار قدرت در خانواده با تحصیلات زنان معلم تفاوت معنادار وجود دارد. همچنین از من تعقیبی شفه مشخص شد که میانگین نمرات زنان با مدرک لیسانس در عامل ساختار قدرت بالاتر از سایر میانگینها است. بنابراین می توان گفت هرچه تحصیلات زن بالاتر باشد برابری در ساختار قدرت در خانواده بیشتر است و قدرت در خانواده تمایل به تشریک مساعی دارد. یافته های بالا با نتایج

مطالعات (۲۵ و ۲۶ و ۲۷ و ۲۸)، همسو است. آنها نشان دادند که تحصیلات زنان ارتباط مثبتی با علاقه به تساوی جنسیت در جامعه و زندگی دارد و از آنجا که تحصیلات اغلب نیازمند تحمل محرومیت و صرف هزینه های فراوانی است خود نوعی کالای با ارزش است. البته با تحقیقات (۲۹ و ۳۰ و ۳۱)، که نشان دادند تفاوت در سطح تحصیلات کمترین نقش را در سازگاری زنا شویی دارد و پایگاه آموزشی بالای زن احتمال خطر خشونت شوهر را افزایش می دهد ناهمسو است.

یافته های جدول ۳ نشان میدهد، که F محاسبه شده از F جدول در سطح ۰/۰۵ کوچکتر است. بنابراین تفاوت معناداری بین ساختار قدرت در خانواده با تحصیلات شوهر مشاهده نشده این یافته ها با نتایج مطالعات (۲۱ و ۳۲)، که نشان دادند افزایش تحصیلات شوهر موجب افزایش قدرت او نمی گردد همسو است. البته این نتیجه با تحقیقات بلاد و ولف (۳۳) که نشان دادند هر چه متابع در دسترس فرد زیادتر باشد فرد دارای زور و قدرت بیشتری است و یا قدرت شوهر با تحصیلات او رابطه مثبت دارد ناهمسو است. همچنین در کشور ما همسانی زوجین ایرانی در مقایسه با کشورهای غربی از نظر تحصیل کمتر است و این خود نتیجه تمایز فاحش زن و مرد از نظر تحصیل است. در واقع عدم تساوی زن و مرد در تحصیل موجب تفوق نسبیاً متناووم مردان در ایران است و این تفوق به نوبه خود به تداوم «پدرسری» در جامعه ما می انجامد.

یافته های جدول ۴ نشان میدهد که F محاسبه شده از F جدول در سطح ۰/۰۰۲ بزرگتر است. بنابراین مقدار F محاسبه شده در سطح کمتر از ۰/۰۰۲ معنادار است. لذا با ۹۹ درصد اطمینان می توان بیان کرد که بین ساختار قدرت در خانواده با فاصله سنی زوجین تفاوت وجود دارد. به عبارتی هرچه فاصله سنی زن و شوهر از هم بیشتر شود، قدرت تصمیم گیری زوجین در خانواده توازن کمتری دارد. این یافته ها با نتایج مطالعات (۳۴ و ۳۵)، همسو است. آنها نشان دادند که هرچه سن شوهر از همسر بیشتر باشد شوهر در اعمال نظر و تصمیم گیریها از قدرت بیشتری برخوردار است. بنابراین می توان گفت

بین ساختار قدرت در خانواده با مراحل چرخه زندگی وجود ندارد. این یافته ها با نتایج تحقیقات بلاد (۱۹۶۹) لسللی (۱۹۷۳) همسو است. در واقع حرکت خانواده در طی زمان به صورت چرخه ای و به عبارت دقیقتر به صورت مارپیچی است. یعنی در مواقعی همدیگر را جذب می کنند و ارتباط تنگاتنگی با هم دارند. و در زمانی نیز به روال سابق برمی گردند و از هم دور می شوند. بنابراین می توان گفت ورود فرزندان می توانند مهمترین شاخص در چرخه زندگی خانواده باشد چون با آمدن آنها تصمیم گیریها و نقشهای زن و مرد متفاوت و بیشتر می شود. اینجاست که ساختار قدرت در خانواده به هم می ریزد.

یافته های جدول ۹ نشان میدهد که F محاسبه شده از F جدول در سطح ۰/۰۲ بزرگتر است. بنابراین مقدار F محاسبه شده در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۲ معنادار است لذا با ۹۹ درصد اطمینان می توان بیان کرد که بین ساختار قدرت در خانواده با درآمد شوهر تفاوت وجود دارد. در واقع هرچه درآمد شوهران کمتر باشد تشریک مساعی در خانواده کمتر است. این یافته با تحقیقات بلاد و ولف (۱۹۶۰)، (میشل^۱ ۱۹۶۷)، لاموس و لاپری^۲ (۱۹۶۹)، کندل-ولیسر ۱۹۷۹ به نقل از ذوالفقارپور، ۱۳۸۰، (دیویس^۳ ۱۹۷۶، شماره ۳۸) که نشان دادند هرچه درآمد فرد بالاتر رود ساختار قدرت در روابط زناشویی تمایل به تشریک مساعی دارد، همسو است. البته این یافته با نتایج مطالعات سعیدیان (۱۳۸۲)، ذوالفقارپور (۱۳۸۰) ناهمسو است.

یافته های جدول ۱۰ نشان می دهد که F محاسبه شده از F جدول در سطح ۰/۰۵ کوچکتر است. بنابراین تفاوت معناداری بین ساختار قدرت در خانواده با درآمد زن مشاهده نشد. این یافته با نتایج مطالعات سنتز و همکاران^۴ (۱۹۷۱)، سافیلوس - رتت چیلد (۱۹۶۹)، رودمن^۵ (۱۹۷۲)، به نقل از ذوالفقارپور (۱۳۸۰) و (تیکنور^۶ ۱۹۹۹، شماره ۳۹)، که نشان دادند ورود زن به سیستم اقتصادی هیچ تاثیری بر قدرت او ندارد و روابط قدرت بیشتر با جنسیت ارتباط دارد همسو است.

که تفاوت وسیع سنی با خود تفاوتهای وسیع فرهنگی و جهان بینی را به همراه خواهد آورد و در بقای زوجیت و سعادت زناشویی تاثیر خواهد داشت. البته این یافته با نتایج پژوهش سعیدیان (۱۳۸۲) ناهمسو است.

یافته های جدول ۵ نشان می دهد که F محاسبه شده از F جدول در سطح ۰/۰۵ کوچکتر است. بنابراین تفاوت معناداری بین ساختار قدرت در خانواده با تملک دارائی (منزل) مشاهده نشده است. این یافته با نتایج مطالعات سعیدیان (۱۳۸۲) همسو است. البته نتایج مطالعات بلاد و ولف (۱۹۶۹) و گود (۱۹۸۹) که نشان دادند تملک منابع ارزشمند در توزیع قدرت خانواده مهم است و قدرت در خانواده های پدر سالاری به وسیله مقایسه میزان منابع و شرایط زندگی مشخص می شود و با افزایش منابع شوهر قدرت او نیز افزایش می یابد ناهمسو است. یافته های جدول ۶ نشان می دهد که F محاسبه شده از F جدول در سطح ۰/۰۱ بزرگتر است. بنابراین مقدار F محاسبه شده در سطح کمتر از ۰/۰۱ معنادار است. لذا با ۹۹ درصد اطمینان می توان بیان کرد که بین ساختار قدرت در خانواده با بعد خانوار تفاوت وجود دارد. در واقع هرچه خانواده دارای اعضای بیشتری باشد تشریک مساعی در خانواده کمتر است و قدرت بطور نامساوی تقسیم شده است. این یافته با نتایج تحقیقات بلاد (۱۹۶۹)، فرانکس (۱۹۷۲)، که نشان دادند فرزندان کمتر باعث ساختار قدرت مساوات طلبانه تر در خانواده می شود همسو است. اما با یافته های سعیدیان (۱۳۸۲) ناهمسو است.

یافته های جدول ۷ نشان میدهد که F محاسبه شده از F جدول در سطح ۰/۰۵ کوچکتر است. بنابراین تفاوت معناداری بین ساختار قدرت در خانواده با طول مدت ازدواج مشاهده نشده این یافته با نتایج مطالعات ذوالفقارپور (۱۳۸۰) همسو است. اما با نتایج مطالعات (اسکافی، ۱۳۸۰، شماره ۳۶)، (بلاد و ولف، ۱۹۶۰، شماره ۳۷) و لسللی (۱۹۷۳) که نشان دادند قدرت زن در طول دوره زناشویی رو به افزایش است ناهمسو است.

یافته های جدول ۸ نشان می دهد که F محاسبه شده از F جدول در سطح ۰/۰۵ کوچکتر است. بنابراین تفاوت معناداری

1- Michell

2-Lamouse & Lapri

3- Davis

5- Rodman

4-Centers t. al

6-Tichenor

زبان

و سایر رسانه‌ها در اختیار عموم قرار گیرد. همچنین، پژوهش‌ها و یافته‌ها در این زمینه باید به‌طور گسترده در مجله‌ها و نشریات علمی منتشر شود.

در این راستا، پژوهش‌های کیفی و پدیدارشناسی می‌تواند به درک عمیق‌تری از تجربیات زنان و چالش‌های آن‌ها منجر شود.

همچنین، استفاده از روش‌های آمیخته (کیفی و کمی) می‌تواند به درک جامع‌تری از موضوع منجر شود.

در نهایت، نتایج این پژوهش‌ها باید به‌طور مؤثر در برنامه‌ریزی و اجرای خدمات مددکاری اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد.

این پژوهش‌ها می‌تواند به بهبود وضعیت زنان و خانواده‌ها در جامعه ایران منجر شود.

در ادامه، پژوهش‌های بیشتری در این زمینه ضروری است.

پژوهش‌های آینده می‌تواند به بررسی تأثیرات فرهنگی و اجتماعی بر این موضوع بپردازد.

همچنین، استفاده از روش‌های مبتنی بر فناوری می‌تواند به گسترش دامنه پژوهش‌ها منجر شود.

در نهایت، نتایج این پژوهش‌ها باید به‌طور مؤثر در برنامه‌ریزی و اجرای خدمات مددکاری اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد.

این پژوهش‌ها می‌تواند به بهبود وضعیت زنان و خانواده‌ها در جامعه ایران منجر شود.

در ادامه، پژوهش‌های بیشتری در این زمینه ضروری است.

پژوهش‌های آینده می‌تواند به بررسی تأثیرات فرهنگی و اجتماعی بر این موضوع بپردازد.

همچنین، استفاده از روش‌های مبتنی بر فناوری می‌تواند به گسترش دامنه پژوهش‌ها منجر شود.

در نهایت، نتایج این پژوهش‌ها باید به‌طور مؤثر در برنامه‌ریزی و اجرای خدمات مددکاری اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد.

این پژوهش‌ها می‌تواند به بهبود وضعیت زنان و خانواده‌ها در جامعه ایران منجر شود.

در ادامه، پژوهش‌های بیشتری در این زمینه ضروری است.

پژوهش‌های آینده می‌تواند به بررسی تأثیرات فرهنگی و اجتماعی بر این موضوع بپردازد.

همچنین، استفاده از روش‌های مبتنی بر فناوری می‌تواند به گسترش دامنه پژوهش‌ها منجر شود.

در نهایت، نتایج این پژوهش‌ها باید به‌طور مؤثر در برنامه‌ریزی و اجرای خدمات مددکاری اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد.

این پژوهش‌ها می‌تواند به بهبود وضعیت زنان و خانواده‌ها در جامعه ایران منجر شود.

در ادامه، پژوهش‌های بیشتری در این زمینه ضروری است.

پژوهش‌های آینده می‌تواند به بررسی تأثیرات فرهنگی و اجتماعی بر این موضوع بپردازد.

همچنین، استفاده از روش‌های مبتنی بر فناوری می‌تواند به گسترش دامنه پژوهش‌ها منجر شود.

در نهایت، نتایج این پژوهش‌ها باید به‌طور مؤثر در برنامه‌ریزی و اجرای خدمات مددکاری اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد.

این پژوهش‌ها می‌تواند به بهبود وضعیت زنان و خانواده‌ها در جامعه ایران منجر شود.

در ادامه، پژوهش‌های بیشتری در این زمینه ضروری است.

پژوهش‌های آینده می‌تواند به بررسی تأثیرات فرهنگی و اجتماعی بر این موضوع بپردازد.

همچنین، استفاده از روش‌های مبتنی بر فناوری می‌تواند به گسترش دامنه پژوهش‌ها منجر شود.

در نهایت، نتایج این پژوهش‌ها باید به‌طور مؤثر در برنامه‌ریزی و اجرای خدمات مددکاری اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد.

این پژوهش‌ها می‌تواند به بهبود وضعیت زنان و خانواده‌ها در جامعه ایران منجر شود.

در ادامه، پژوهش‌های بیشتری در این زمینه ضروری است.

پژوهش‌های آینده می‌تواند به بررسی تأثیرات فرهنگی و اجتماعی بر این موضوع بپردازد.

همچنین، استفاده از روش‌های مبتنی بر فناوری می‌تواند به گسترش دامنه پژوهش‌ها منجر شود.

در نهایت، نتایج این پژوهش‌ها باید به‌طور مؤثر در برنامه‌ریزی و اجرای خدمات مددکاری اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد.

این پژوهش‌ها می‌تواند به بهبود وضعیت زنان و خانواده‌ها در جامعه ایران منجر شود.

در ادامه، پژوهش‌های بیشتری در این زمینه ضروری است.

پژوهش‌های آینده می‌تواند به بررسی تأثیرات فرهنگی و اجتماعی بر این موضوع بپردازد.

همچنین، استفاده از روش‌های مبتنی بر فناوری می‌تواند به گسترش دامنه پژوهش‌ها منجر شود.

در نهایت، نتایج این پژوهش‌ها باید به‌طور مؤثر در برنامه‌ریزی و اجرای خدمات مددکاری اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد.

این پژوهش‌ها می‌تواند به بهبود وضعیت زنان و خانواده‌ها در جامعه ایران منجر شود.

در ادامه، پژوهش‌های بیشتری در این زمینه ضروری است.

پژوهش‌های آینده می‌تواند به بررسی تأثیرات فرهنگی و اجتماعی بر این موضوع بپردازد.

همچنین، استفاده از روش‌های مبتنی بر فناوری می‌تواند به گسترش دامنه پژوهش‌ها منجر شود.

در نهایت، نتایج این پژوهش‌ها باید به‌طور مؤثر در برنامه‌ریزی و اجرای خدمات مددکاری اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد.

این پژوهش‌ها می‌تواند به بهبود وضعیت زنان و خانواده‌ها در جامعه ایران منجر شود.

در ادامه، پژوهش‌های بیشتری در این زمینه ضروری است.

پژوهش‌های آینده می‌تواند به بررسی تأثیرات فرهنگی و اجتماعی بر این موضوع بپردازد.

همچنین، استفاده از روش‌های مبتنی بر فناوری می‌تواند به گسترش دامنه پژوهش‌ها منجر شود.

در نهایت، نتایج این پژوهش‌ها باید به‌طور مؤثر در برنامه‌ریزی و اجرای خدمات مددکاری اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد.

این پژوهش‌ها می‌تواند به بهبود وضعیت زنان و خانواده‌ها در جامعه ایران منجر شود.

۲- برگزاری سمینارهایی در زمینه مهارت‌های زندگی و ارتباطات

کلامی و غیر کلامی در زندگی زناشویی.

۳- آموزش الگوهای ارتباطی مکمل از طریق رسانه های گروهی

و آموزش و پرورش و دیگر نهادهای متولی بهزیستی جامعه

برای نسل جوان.

۴- تشویق زوجین به برقراری یک سیستم دموکراتیک در خانه

و تغییر شناخت مردان در مورد نقش سنتی آنها.

۵- تشویق زوجین به شناخت حیطه و حوزه های قدرت زن و

شوهر، برای تعادل بیشتر در تصمیم گیری خانواده.

اما با نتایج مطالعات بلاد و ولف (۱۹۸۶) (۴۰ و ۴۱ و ۴۲) دادند

درآمد زنان روی رابطه قدرت آنها تاثیر مثبت داشته و باعث

کاهش قدرت شوهر و برابری در تصمیم گیری می شود و

شوهران تمایل بیشتری دارند که آنها را در تصمیم گیری

خانواده دخالت دهند ناهمسو است.

پیشنهادات

۱- با توجه به یافته های پژوهش ، سلامت روانی با افزایش

قدرت تشریک مساعی زوجین بهبود می یابد. تغییر در تصورات

زوجین از نقششان در خانواده ضروری به نظر می رسد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ۱- کارلسون، ج. اس. ل؛ ولودیس، ج. (۱۳۷۸). خانواده درمانی (تضمین درمان کارآمدی). ترجمه: ش. نوایی نژاد تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان چاپ اول
- ۲- معظمی، ش؛ فلاحیان، ن. (۱۳۸۲). کتاب معلم آموزش حقوق برای نوجوانان. نشر کتابهای درسی ایران، چاپ اول
- 3- Goldenberg, H. & coldenberg. (1998). counseling to day's families. Books/cole publishin co family
- 4- Minuchin, S. (1974). families and families theropg. Cambridge, massach auetts : Harvard university press.
- ۵- شیخی، م. م. ت. (۱۳۸۰). جامعه شناسی زنان و خانواده، شرکت سهامی انتشار، چاپ او
- 6- Edgell, S. R. (1980). Middle- class couples. (London: Allen and unwin).
- ۷- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶). جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشرنی.
- 8- Ahronsroc & Rodger . H.R. (1987). Divorced families: A multidisciplinary Developmental view IED. Norton puplication Co.
- 9- Franks, D.D. (1972). Role – Taking & power in social psychology. A.S.R. vol 37, p:605-614.
- 10- Tavormina, J.B.etal. (1978). power Relation ships in familes: asocial Exchange perspective. F.P- 1.vol.17,P:423-435
- ۱۱- میرخشتی، ف. (۱۳۷۵). «بررسی رابطه میان رضایت از زندگی زناشویی و سلامت روانی». پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- 12- Halloran, E.C. (1998). " The role of marital power in depression and marital distress." Journal of family therapy , vol :26, Issue :1-p:3-15
- 13- Coleman, D. & straus, m. (1986). " marital power , confilict and violence in a nationality representative sample of American couples." journal violence and victims , vol : 1, No:2,P:141-156
- 14- Bagarozzi, D. (1990). " Marital power discrepancies and symptom development in spouses." Journal of family therapy, vol : 8,No:1,P:51-64.
- ۱۵- منتظری. (۱۳۷۸). آموزش زندگی خانواده. سازمان بهزیستی کشور، معاونت پیشگیری.
- 16-Kaufman, C (1998). "Relationship between marital power and symptom of stress among husband and wives". Journal Wisconsin sociology, Vol:25,No:1,P:35-44.
- 17- Handwerker, penn. (1998). "why violence: Human organization ". Journal of Human organization , vol : 57,Issue: 2, P: 200-208
- 18- So- kum Tang, (1999). "Marital power and aggerssion ina community sample of Hongknoy Chinese familes". Journal interpersonal violence. vol: 14, issue 6, p. 586-603.
- 19- Kulik, I. (2001). " Marital relationship in late adulthood:"synchronous versus anynchronous couples." Journal Aging Hum. Vol: 25,No; 4, p:323-39
- 20- Yount, K.m. (2005). "women's family power and Gender preference in minya Egypt. "Journal of marriage and family. 67.p.410-423
- ۲۱- اعزازی، ش. (۱۳۸۲). جامعه شناسی خانواده با تأکید بر نقش ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر. انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، چاپ سوم.
- ۲۲- هومن، ع. (۱۳۷۶). «استاندارد سازی و هنجاریابی پرسشنامه سلامت عمومی برای دانشجویان دوره روزانه کارشناسی دانشگاه تربیت معلم». مؤسسه تحقیقاتی تربیتی دانشگاه تربیت معلم.
- ۲۳- غضنفری، ا. (۱۳۸۲). «بررسی تأثیر هویت و راهبردهای مقابله ای بر سلامت روانی دانش آموزان دبیرستانی و پیش دانشگاهی شهر اصفهان». رساله دکتری تخصصی رشته روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۲۴- سعیدیان، ف. (۱۳۸۲). «بررسی رابطه بین ساختار قدرت خانواده با تعارضات زناشویی». پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره، دانشگاه تربیت معلم.

- 25- Baxter, J. & Kane, E. W. (1995). Dependence and independence A cross-national analysis of gender inequality and gender attitudes. *Gender and society*. P. 193-215
- 26- Suitor, J. J. (1991). "marital quality and satisfaction with the Division of Household labor Across the family life cycle." *journal of marriage and the family*. Vol. 53, p.221. 23.
- 27- Munsinger, G. M., Jean E. W., and Richard W. H. (1975). " Joint Home purchasing Decisions by Husband and wives." *Journal of consumer Research*, 1.(march), 60-66.
- 28- Hamilton, G. V. (1929). A research in marriage. NEW YORK, Prentice hall
- 29- Babcock, J. C. & others. (1993). " Power and violence the Relation Between communication pattern, power Discrepancies and Domestic violence." *Journal of consulting and clinical psychology*. Vol. 61. No 1. p.40-50
- 30- Anderson, Kristin L. (1997). " Gender, status & Domestic violence." *Journal of marriage and the family*, val. 59, No.3, pp.655-699.
- ۳۱- ذوالفقار پور، م. (۱۳۸۰). «بررسی رابطه بین ساختار قدرت در خانواده با رضایتمندی زنان کارمند و خانه دار». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء.
- 32- Burr, W. R & Hill, R. & Nye, I. f & Reiss, I. (1979). contemporary theories about the family. New yourk :free press.
- 33- Good, W.J. (1989). The family. Prentice. Hall. Findia.
- 34- Leslie, G.R. (1973). The family in social context. Oxford press.
- 35- Bernard, J. (1934). "factors in the distribution of success in marriage." *American journal of sociology*, n.40, p.58.
- ۳۶- اسکافی، م. (۱۳۸۰). «عوامل مؤثر بر نگرش افراد متأهل نسبت به همسر». پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جمعیت شناسی، دانشگاه شیراز.
- 37- Blood, R.O & Wolfe, D.M. (1960). Husbands and wives The Dynamics of married living, Glencoe, Il: free press
- 38- Davis, H. L. (1976), " Decision- making within the Household." *Journal of consumer Research*, 2 (march), 241-260.
- 39- Tichenor, V. J (1999). "status and income as Gender Resource the case of marital power". *Journal marriage and the family*, vol:61, Issue: 3. P:638-850.
- 40- Ybarra, L. (1982). " when wives work: the impact on the chicano family. *journal of marriage and the family*. vol. (44).
- 41- Joanna, E. (2003). The Gender Gap in Canada. Now you see it. Now you. Don't Canadian Review of Sociology Anthropology. Vol.35. No.2. p.191-22.
- 42- Huber, G.S. (1981). wife employment, Household Behaviors, and sex Role attitude. *Social forces*. vol. (60)